

آشنایی با لوئیس بونوئل

آلن برگالا

برگردان عظیم جابری

www.ketab.ir



نشر درون | مجموعه‌ی سینه - تناتر

این کتاب ترجمه‌ای است از:
Luis Buñuel, d'Alain Bergala,
Éd. Cahiers du cinéma, 2007.



نشر درون

eddaroun@yahoo.com
Instagram.com/darouneitions

آشنایی با لوئیس بونوئل

نویسنده: آلن برگالا

Alain Bergala (1943-)

مترجم: عظیم جابری (- ۱۳۶۳)

صفحه‌آرا: یاسمین حشدری

چاپ اول: تابستان ۱۴۰۰

تیراژ: ۳۰۰ نسخه

چاپ‌وصحافی: خانه‌ی چاپ کتاب

قیمت: ۶۰ هزار تومان

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۸۰۹۶-۳-۱

رده‌بندی کنگره: ۳ / ۱۹۹۸ PN رده‌بندی دیویی: ۹۲ / ۴۳۰۲۳۳۰۷۹۱

مشخصات ظاهری: ۱۲۴ صفحه شماره‌ی کتاب‌شناسی ملی: ۸۴۴۵۴۶۸

فهرست

مقدمه: چشمان باز، چشمان بسته	۷
از کالاندا تا نیویورک، از مسیر پاریس: اولین زندگی	
سگ آندلسی، عصر طلایی، سرزمین بی نان	۱۱
طبل‌های کالاندا ۱۲ / اقامتگاه دانشجویان ۱۳ / عنکبوت‌ها ۱۶ / سال‌های کارآموزی ۱۹ / چگونه یک شبه سوررنالیست شویم: سگ آندلسی ۲۱ / ژان ویگواز سگ آندلسی می‌گوید ۲۵ / عصر طلایی: بونونل بدون دالی ۲۷ / سال‌های تبعید، جنگ و آوارگی (۱۹۳۰-۱۹۴۶) ۳۰ / سرزمین بی نان، مستندی سوررنالیستی ۳۲ / راکورد-بونونل ۳۵ / شروع جنگ داخلی ۳۷ / هالیوود-نیویورک-هالیوود ۳۸	
بونونل مکزیکی	
از فراموش شدگان تا دختر جوان	۴۱
بونونل بزرگ، بازگشت ۴۲ / رؤیای پدر و ۴۶ / سوزانا، جسم بیگانه ۴۹ / صعود به آسمان و رابینسون کروزو ۵۱ / دو نمونه از دل‌مشغله‌ی مردانه ۵۳ / سینما به‌روایت لوئیس بونونل ۵۸ / دو فیلم به زبان فرانسوی ۶۱ / لوئیس بونونل به‌روایت ژان-کلود کاری بر ۶۳ / از آوارگی نازارین تا جزیره‌نشین دختر جوان ۶۶	
مکزیک-اروپا: رفت و برگشت	
از ویریدیان تا این موضوع مبهم هوس	۶۹
ویریدیان، بازگشت به اسپانیا ۶۹ / موفق نشدن در... ۷۳ / خاطرات یک مستخدمه: پیدایش یک گروه سه نفره ۷۴ / گیسوان زنان ۷۷ / زیبای روز - تریستانا ۷۹ / تماشاگر ناخوشایند ۸۴ / سه‌گانه‌ای فرانسوی ۸۶ / تعلیم میل ۹۰ / واپسین اثر: این موضوع مبهم هوس ۹۳	
مؤخره	۹۷
زندگی‌نامه	۹۹
فیلم‌شناسی	۱۰۳

مقدمه

چشمان باز، چشمان بسته

مدتهاست که درباره‌ی آثار بونوئل مجموعه تفسیرهایی صورت گرفته که هیچ‌گاه موفق نشده‌اند نیروی شدید آن‌ها را دریابند، نیرویی که خوشبختانه هر طور به فیلم‌های‌اش نگاه کنیم، دست‌نخورده‌اش بازمی‌یابیم. در سینمای او چیزی یگانه و منحصر به فرد وجود دارد که هیچ مؤلفه‌ای برای توضیح دادن‌اش کافی نیست، نه فرهنگ اسپانیایی‌اش، نه علاقه‌اش به سوررئالیسم، نه تعهد سیاسی‌اش، نه رابطه‌اش با آئین کاتولیک، و نه اقامت‌اش در مکزیک، بلکه پیش از هر چیز ناشی از خود ژست خلاقانه‌اش است که به شکلی عجیب و معماوار به خودش وفادار است؛ این امر در مورد هر حالتی از انواع بسیار مختلف آثار او صدق می‌کند، یعنی تنوعی که اتفاقات زندگی و سرگذشت قرن‌اش به او تحمیل کرده: سینمای صامت آوانگارد، تجربه‌ی مستند، ملودرام مکزیکی، اقتباس از آثار بزرگ داستانی، سینمای فرانسه‌ی سال‌های هفتاد.

در نظام‌های تولید و محیط‌های زیبایی‌شناختی چنین متفاوتی راز این وفاداری تغییرناپذیر و اسرارآمیز به خویشتن چیست؟ واقعیت درونی و عمیق

این است که فیلم به عنوان ابژه‌ای خاتمه‌یافته و قصه‌ای خطی هیچ‌گاه نمی‌تواند لحظه‌ی درخشان ظهور تصویر را مخفی یا حذف کند. از آن‌جایی که تصویر در فیلم موقتاً از قید هر نوع اسارت فیلمنامه‌ای آزاد است، در لحظه‌ای که به‌ناگه در دل فیلم پدیدار می‌شود از ویژگی توفنده و ذاتی تصویری ناب و شاعرانه برخوردار است.

این ظهور تصاویر شهودی در بوطیقای او با بروز ناگهانی و آنی میل در مخلوقات‌اش پیوندی وثیق دارد. بی‌شک از زمان سگ آندلسی^۱ و عصر طلایی^۲ مکررترین صحنه‌ی سینمای بونوئل که آمیزه‌ای از تمام دوره‌هاست این صحنه است: مردی دیوانه‌وار زنی را می‌خواهد، قصد دارد با تدبیر و حيله به قصدش برسد، اما در لحظه‌ی آخر، درحالی‌که زن در اختیار مرد قرار دارد، او دستخوش میلی مخالف و کاملاً غیرمنطقی می‌شود، یعنی میل به نتیجه نرسیدن. میل برای بونوئل چنین اهمیت حیاتی‌ای دارد و بر او واجب است که آن را در نوعی حالت ناتمامی نگه دارد تا در آثارش نخشکد. همچنین لحظه‌ی تولد تصاویر لحظه‌ای است که متضادهای هنوز امکان‌پذیر هستند، زمانی که در یک لحظه راه‌حل‌هایی مقارن سر برمی‌آورد که هر سینماگری باید از بین آن‌ها یکی را انتخاب کند تا فیلم بتواند پیش برود. بونوئل همچنین در فیلم‌های‌اش پیوسته نشان می‌دهد که به‌جای اتفاقی که افتاده، چه اتفاقی می‌توانست بیفتد. او همیشه ذوق روایت کردن را داشته، بنابراین ملزم بوده انتخاب کند، اما این امر به‌هیچ‌وجه مانع‌اش نشده توأمان از تصاویر منتخب و افسوس تصاویر انتخاب‌نشده فیلم بگیرد. هر راهی که در پی گرفته می‌شود - و خدا می‌داند که در فیلم‌های‌اش چنین چیزی وجود

1. *Un chien andalou*

2. *L'Âge d'or*

دارد یا نه -، بلافاصله باعث پدیدار شدن تصویر یا تداعی راهی می‌شود که فیلم در پیش نگرفته است.

هر اثر بونوئل در تنش میان چشمان باز و چشمان بسته قرار دارد که اوکتاویو پاز^۱ راجع به آن حرف می‌زند و در کنفرانسی در مکزیک در سال ۱۹۵۳ به آن اشاره کرده: «برای انسانی در بند کافی است که چشم‌ها را ببندد تا بتواند جهان را منفجر کند.» سینما برای بونوئل ابزاری ایده‌آل بود که به او اجازه می‌داد در تمام زندگی‌اش، آن هم نه به شکلی نامنسجم، جهان را با چشمان بسته منفجر کند و با چشمان باز از جهان گزارش دهد. چیزی که او در تمام فیلم‌های‌اش مجسم می‌کند همین تناقض سینماست. به احتمال زیاد، در همین امر نهفته است راز منحصربه‌فرد فیلم‌های بونوئل و مقاومت‌شان در برابر تمام فرم‌های تحلیل و تمام سیستم‌های دسته‌بندی سینما، حتی کلی‌ترین‌هاشان مانند دسته‌بندی‌های آندره بازن^۲ و ژیل دولوز^۳.

1. Octavio Paz
2. André Bazin
3. Gilles Deleuze